

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

### سرشاری و سرخوشی‌های انسان سکولار از منظر چارلز تیلور

سرشاری در بیان چارلز تیلور همراه با سرخوشی است. انسان در آنات لذتی که تجربه میکند، علاوه بر حس رضایت، احساس سرخوشی و سرمستی را هم تجربه میکند. همین معنای مرکب از سرشاری و سرخوشی است که تیلور آنرا فولنس نامیده و شامل سرشاری‌های فیزیکی و متافیزیکی دانسته است.

**در زندگی سکولار علاوه بر اینکه سرشاری، نیرویی محرک است که انگیزه بخشی می‌کند، غایتی است که انسان ورای آن هیچ غایت دیگری را تصور نمی‌کند.**

به همین جهت تیلور در مقام توصیف، فلسفه زندگی را رسیدن به لحظه‌های سرشاری و سرخوشی معرفی کرده است. او می‌گوید در فرهنگ سکولار نباید به چیزی اعتقاد داشت که مانع از این سرشاربودگی و سرخوشی دنیوی بشود. این سرخوشی‌ها زمانی حاصل می‌شود که انسان مدرن حس می‌کند از قید و بند دین آزاد شده و حس بسندگی عقل و حس خودخدایی به او دست میدهد. حتی گاهی به او حس خودفراموشی یا بی‌معنایی دست میدهد ولی مست این خودفراموشی است.

بنابراین آنچه در روایات اسلامی وجود دارد مبنی بر اینکه انسان متقی باید لجام بزند بر غرایض و شهواتش، تعبیری است که در سرشاری برآمده از فرهنگ سکولار پذیرفته نیست. چنین کارهایی هدف زندگی سکولار را از بین می‌برد. در نتیجه شما در فرهنگ سکولار نباید به چیزی اعتقاد داشته باشید که جلوی سرخوشی‌هایتان را بگیرد.

در نگاه سکولار، سرشاری و سرخوشی یک امر فیزیکی، مادی و دنیوی است. در این نگاه، اقتصاد اصل است و هدف نهایی، جامعه است. سکولاریسم هر هدفی فراتر از اقتصاد را انکار می‌کند و از همین جا با هویت دینی دچار تضاد شده و می‌گوید هر غایتی فراتر از اقتصاد و در نظم دینی، اگر بخواهد سرخوشی ما را ناقص کند، ما انسان‌های سکولار آنرا کنار می‌گذاریم.

### سکولاریسم؛ امری ارادی یا نظری؟

سکولاریسم یا سکولاریسم یک تصمیم است، یک انتخاب است و در مواقعی یک تمایل است. همواره چنین نیست که ما برای سکولاریسم یک مسیر استدلالی-معرفتی را پیش برویم و به محض آنکه دلایل خود را فیکس کردیم، سکولاریسم را بپذیریم یا ردش کنیم. این نه فقط برای من و شمای عوام بلکه حتی برای من و شمای خواص نیز صادق است که خیلی از مواقع، تمایلاتمان است که ما را از جهت نظری به سوی ایمان یا رد آن سوق می‌دهد.

اما این تمایلات از کجا می‌آیند؟ گاهی از عمل انسان برمی‌خیزد. گاهی شما می‌بینید که عمل صالحی از انسان آتئیست سر میزند که چون عمل صالح مناسب دارد با یک باور درست، آتئیست را به سمت ایمان سوق میدهد. از آن طرف هم ممکن است فرد مؤمنی عمل غیرصالح انجام دهد و آن عمل غیرصالح، فرد را از ایمان دور کند و چه بسا حتی به نوعی آتئیسم سوق دهد.



این مهم است که اساساً مسئله اراده‌ورزی و تصمیم را در سکولاریزدگی یا نشدگی لحاظ کنیم. گاهی می‌بینید که تمام دلایل برای شما مبرهن است اما در انتها این شما هستید که باید عزم کنید تا مومن شوید و در آن نقطه نهایی **میتوانید عزم نکنید و مومن نشوید**. این عزم خیلی مهم است. فلذا اینکه می‌گوییم انسان مدرن در دوگانه سرخوشی متافیزیکی و فیزیکی کدام یک را ترجیح می‌دهد، یک تصمیم است. استیس در کتاب "دین و نگرش نوین"، تیلور و آوری نگاه خیلی‌های دیگر گفته‌اند که تضاد معرفتی میان دین و علم جدید وجود نداشت اما علت آنکه با ظهور علم جدید، انسان مدرن به سمت سکولاریسم سوق یافت به همان اراده و تصمیم مربوط است، اینکه ما انسان‌ها خیلی اوقات منطقی فکر نمی‌کنیم و ضرورتاً تصمیمات منطقی هم نمی‌گیریم.

